



6 جون 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

(بخش پنجاه و سوم)

از خوست تا کابل:

محمدنادر خان به معیت شاه ولیخان بتاريخ 19 حمل 1307ش (8 مارچ 1929) سرحد را عبور نمود و پس از سه سال و چند ماه اقامت در فرانسه، پا به وطن گذاشت. از همین روز به بعد تا وقتی بتاريخ 23 میزان 1308 (15 اکتوبر 1929) که فاتحانه به کابل رسید و حبیب الله مجبور به ترک ارگ و فرار بسوی کوهدامن شد، مدت شش ماه و چند روز را دربر گرفت. با وجودیکه این مدت از دشوارترین ایامی بود که نشیب و فرازهای زیاد را برای محمدنادر خان و بردارانش و خانواده های شان در قبال داشت، اما در تاریخ معاصر افغانستان ورق جدید از یک فصل تازه آغاز گردید و تاج و تخت افغانستان برای مدت 44 سال در انحصار این خانواده درآمد که مباحث بعدی این نوشته را ختم سلطنت این خانواده تشکیل میدهد.

اینکه چگونه محمدنادر خان و بردارانش در این شش ماه پر از نشیب و فراز موفق به فتح کابل و سقوط دوره سقوی شدند، در این بخش و بخش های بعدی مورد بررسی قرار میگیرد و اما قبل از آن لازم به تذکر است که جریان رویداد های مربوط این برهه را میتوان بیشتر از ورای چهار کتابی بدست آورد که همه آن اساساً از یک حنجره صدا برآورده است یعنی یا بقلم یکی از اعضای خانواده سلطنتی نوشته شده و یا تحت نظر آنها نگارش یافته است. علاوه بر این چهار مأخذ اختصاصی، مأخذی دیگر نیز در دست است که بوسیله محققان تاریخ معاصر کشور اعم از داخلی و خارجی نوشته شده اند. لذا به حیث یک بحث مقدماتی در این مورد از همه اولتر لازم است تا نگاه مختصر درباره نشرات آنوقت در رسانه های داخلی و خارجی انداخت و به معرفی مأخذ مهم در این موضوع اشاره کرد که علاقمندان تاریخ میتوانند برای مزید معلومات به آن مأخذ مراجعه نمایند.

نگاهی به معرفی کتب و مأخذ مهم در شرح و بررسی این دوره:

در ارتباط با گزارش رویدادها در مطبوعات آنوقت باید اذعان داشت که نسبت شرایط نامساعد و فقدان وسایل اطلاعاتی دقیق و مفصل، اکثر اخبار منتشره در رسانه های خارجی و داخلی به دلیل جناح بندیها در آنوقت بیشتر با ماهیت جانبدارانه پخش میگردید. در حالیکه مطبوعات رسمی برتانیه و حکومت هند برتانوی با ادعای حفظ بیطرفی در امور داخلی افغانستان در زبان یک چیز می گفتند و در عمل بالعکس چیز دیگر، اما رسانه های شوروی، آلمانی، فرانسوی و نشرات احزاب و مبارزان ضد برتانوی در هند مسلماً لحن دیگر و بیشتر شیوه انتقادی بر مداخلات و برنامه ریزی های برتانیه در امور افغانستان داشتند. در داخل افغانستان کمتر نشریه منظم در این مدت وجود داشت تا بر چگونگی رویدادها بطور آزاد روشنی اندازد. یگانه نشریه رسمی حکومت سقوی هفته نامه بنام "حبیب الاسلام" بود که در 9 حوت 1307 نخست به مدیریت غلام محی الدین مشهور به "انیس" و سپس سید محمدحسین و در اخیر بوسیله برهان الدین کشکی در کابل چاپ می شد و گفته میشود که جمعاً در سی و چند

شماره به نشر رسیده است که در محتوای آن بیشتر مسایل دینی و نیز اخبار اجراءات حکومتی و مطالبی درباره فتوحات و لشکرکشی های آن دوره و واضحاً به نفع حکومت و نیز بعضی خبرهای مهم خارجی گنجانیده می شد. (برای شرح مزید دیده شود- پوهاند محمد کاظم آهنگ: "سیر ژورنالیزم در افغانستان"، چاپ دوم، 1378، پشاور، صفحه 249-254)

محمدنادرخان نیز برای پخش اخبار مربوط به فعالیت های خود و اطلاع دهی از پیشرفتهای نظامی و نیز با توجه به همبستگی اقوام بر علیه حکومت سقوی به نشر مجدد هفته نامه "اصلاح" پرداخت و اولین شماره آن به مدیریت میرزا محمد نوروزخان از همکاران نزدیک محمدنادرخان بتاريخ 14 اسد 1308 در ناحیه "علی خیل" جاجی به نشر رسید. ناگفته نماند که هفته نامه اصلاح بار اول در دوره امانی بتاريخ 29 دلو 1300 در شهر "خان آباد" مربوط ولایت قطغن و بدخشان انتشار یافت. (کاظم آهنگ - مأخذ بالا... صفحه 192 - 195).

به سلسه نشر کتابها در این مورد، کتاب "بحران و نجات" اولین کتابی است که بوسیله محی الدین انیس در 273 صفحه نگاشته شد و بار اول در سال 1308 بعد از سقوط دوره سقوی و اعلام سلطنت محمد نادرشاه در کابل به نشر رسید و آن وقتی بود که به دلیل اختناق فضای سیاسی کشور امکان نشر رویدادهای دوره شش ماهه فعالیت ها از خوست تا فتح کابل بوسیله محققان آزاد میسر نبود. چاپ دوم این کتاب بعداً در پشاور در سال 1378 صورت گرفت. این کتاب از صفحه اول تا صفحه 109 بیشتر به ذکر وقایع مهم علل سقوط سلطنت امانی و امارت حبیب الله کلکانی و همچنان برگشت محمد نادرخان از نیس به سمت جنوبی می پردازد و اما قسمت بیشتر کتاب به شرح روزانه رویدادهای های مهم سمت جنوبی طی سه دوره اختصاص یافته است: دوره اول از ورود سپهسالار نادرخان به جنوبی تا جنگ چرخ، دوره دوم از جنگ چرخ تا جنگ گردیز و دوره سوم از تاریخ ورود به جاجی الی استیلای کابل. با آنکه نویسنده کتاب یکی از مشروطه خواهان بود و بار اول جریده انیس را در دوره امانی به نشر سپرد و برای مدت کوتاه مدیریت هفته نامه "حبیب الاسلام" را در دوره سقوی بعهد داشت، اما نتوانست با سقوی ها کنار آید و بسمت جنوبی رفت و با محمدنادرخان همکاری و رویدادهای آنجا را به قید قلم آورد که مجموعه آن بعداً بنام "بحران و نجات" چند ماه بعد از رسیدن محمدنادرخان به سلطنت به حیث اولین کتاب زیر نظر همکاران شاه جدید چاپ شد. در آغاز اصرار بر این بود که به کتاب عنوان "انقلاب" داده شود، ولی انیس قبول نکرد و گفت: «در مملکت مدت نه ماه بحرانی بوجود آمد که بالاخره نجات یافت، لذا اطلاق انقلاب بر آن شده نمیتواند.» انیس بعد مدتی کوتاه زندانی شد و به مرض توبرکلوز مبتلا گردید و در زندان در سال 1317 وفات کرد. (شرح مزید- کتاب "بحران و نجات"، در مقدمه: زندگینامه انیس)

"نادر افغان" عنوان کتاب دیگر است که ظاهراً بقلم برهان الدین کشکی و اما در واقع زیر نظر شخص محمد نادرشاه نگاشته شده و جلد اول آن بتاريخ 23 میزان 1310 در 611 صفحه در مطبعه سنگی ریاست عمومی مطابع در کابل به طبع رسیده است. این کتاب که شرح زندگی محمدنادرخان را از ولادت در شهر "دیره دون" هند تا رسیدن به سلطنت افغانستان احتوا میکند، از صفحه 357 تا 567 تحت عناوین فرعی از "عزم سپهسالار غازی بطرف سمت جنوبی" تا "فتح شهر کابل یا نجات وطن" به شرح رویدادهای شش ماهه از تاریخ ورود موصوف یعنی 8 مارچ 1928 به خوست تا فتح کابل می پردازد که در محراق همه گزارشات آن، نقش سه برادر "سردار" و دوسه همکار دیگر آنها از جمله یکی هم مولوی الله نوازخان ملتانی جلب توجه میکند. با نشر این کتاب زمینه های بحث آزاد

در اطراف رویدادهای مربوط به آن دوره تا سالهای دراز کاملاً بسته شد و هرکی چیزی می گفت و یا می نوشت، باید به فحواى همین کتاب می بود، ورنه متهم به "کفرسیاسی" میگردید و به همین دلیل کسی در داخل کشور جرأت نکرد به ابراز نظر درباره واقیعت های تاریخی آن عصر بپردازد.

سالها بعد کتاب دیگری بنام "یادداشت های من" حاوی خاطرات مارشال شاه ولیخان "فاتح کابل" بود که با تقریظ سردار فیض محمدخان زکریا (یکی از بنی اعمام محمدنادرشاه) باراول درکابل درسال 1338 (1959) به نشر رسید و بار دوم بوسیله مؤسسه نشراتی دانش درپشاور در 108 صفحه تجدید چاپ شد. این کتاب پس از ذکر مرام نویسنده، مشتمل بر دو قسمت است: یکی وقایع مختصر جنگ سوم افغان انگلیس و خاطرات نویسنده در محاذ جنوبی تحت قوماندۀ سپهسالار محمد نادرخان از صفحه 10 تا 35 و قسمت دوم تحت عنوان "نجات وطن" و برگشت محمدنادرخان از نیس فرانسه از طریق هند برتانوی به وطن و آغاز فعالیت به مقصد نجات از شر رژیم سکوی و رسیدن به سلطنت که از صفحه 35 تا ختم کتاب را احتوا میکند. متن کتاب در واقع بیان مکرر همان مطالبی است که با اختصار و همنوایی با کتاب "نادر افغان" نوشته شده، البته با ذکر بعضی نکات ضمنی مهم که در کتاب های دیگر منتشره آنوقت گزارش نیافته است.

"رویدادهای مهم زندگی اعلیحضرت محمدنادرشاه شهید" کتب دیگریست که توسط سردار اسدالله خان سراج پسر امیر حبیب الله خان سراج الملة والدين (از بنن "نور الحرم علیا جناب" یگانه خواهر محمد نادر شاه) نوشته شده و باراول در سال 1388 در 137 صفحه در کابل به طبع رسیده است. سردار اسدالله خان سراج در سال 1910 در کابل متولد و در دوران پادشاهی حبیب الله کلکانی با خانواده محمدنادرخان در ارگ کابل زندانی بود و پس از رسیدن محمدنادرشاه به سلطنت و یکسال تحصیل در رشته عسکری در سن 23 سالگی به رتبه فرقه مشری نایل و به حیث قوماندان گارد شاهی شامل خدمت گردید که از آن به بعد برای مدت تقریباً نیم قرن به وظایف مهم دولتی در پست های وزارت و سفارت ایفای وظیفه نمود. او در سال 1980 یعنی دو سال بعد از کودتای خلقی و پرچمی، افغانستان را ترک کرد و به امریکا مهاجر شد و به عمر 90 سالگی در 14 دسمبر سال 2000 چشم از جهان پوشید و در حومه واشنگتن به خاک سپرده شد.

کتاب موصوف سومین کتابی است که ضمن گزارش مختصر از زندگینامه محمد نادرخان، بیشتر به ذکر رویدادهای شش ماهه سمت جنوبی و فعالیت های مربوطه به همان شیوه که در کتاب "نادر افغان" منعکس شده بود، پرداخته است. ضمناً او به بعضی نکات سؤال انگیز دیگر مثلاً اینکه چگونه سردار شاه محمود خان با حبیب الله کلکانی همکار و به حیث رئیس تنظیمیه سمت جنوبی مقرر شد و حبیب الله با او اعتماد کرد و بدستش نامه جهت جلب همکاری محمدنادرخان که تازه از فرانسه به جنوبی مواصلت کرده بود، ارسال داشت و بعضی مسایل دیگر روشنی انداخته است.

سه کتاب فوق همه حاصل کار منسوبین خانواده محمدنادرشاه بود که همه به یک شیوه نگاشته شده اند. بعد از آن در دهه 60 و 70 قرن بیست قدری فضا باز شد و گاه گاهی در جوار نام محمد نادرشاه به حیث "محصل استقلال" کشور، از شاه امان الله غازی نیز نام برده می شد که این فضا پس از سقوط سلطنت در دوره جمهوری محمد داؤد بیشتر باز گردید. اما بعد از کودتای 7 ثور 1357 که باب انتقاد بر خانواده سردار یحیی خان زیر عنوان "آل یحیی" اوج گرفت و اکثر منسوبین آن خانواده را اعم از زن و مرد، طفل، پیر و جوان به زندان افگندند، زمینه نوشتن کتب و مقالات زیاد توسط محققان افغان، مساعد گردید و از آن به بعد که طلسم سکوت شکسته شد، تعداد آثار جدید بخصوص پیرامون رویدادها

و واقعات سلطنت چهارساله محمدنادرشاه و جمعاً صدارت 17ساله سردارمحمدهاشم خان که از نظر محتوی با کتب قبلی متفاوت بودند، به رشته تحریر درآمدند که از جمله میتوان آثار ذیل را نام برد:

- "تاریخ سکوت را می شکند - نادر چگونه به پادشاهی رسید؟"، بقلم سیدال یوسفزی که نام مستعار است و نویسنده اصلی آن به احتمال قوی سیدقاسم رشتیا میباشد که در 81 صفحه باراول در ماه میزان 1378 و بار دوم در 1381 در پشاور به چاپ رسید. در این کتاب مؤلف از مآخذ متعددی که توسط محققان خارجی در زمینه نوشته اند، در جوار معلومات شخصی خودش استفاده کرده و مسایل را به شکل سلیس و ساده و در عین زمان عمیق و مستند بیان کرده است. رشتیا یکی از رجال مهم دوره سلطنت بود که در مقامهای وزارت و سفارت سالهای متمادی ایفای وظیفه کرد و کتاب "افغانستان در قرن نوزده" بقلم او شهرت زیاد دارد.

- "افغانستان در مسیر تاریخ" تألیف مؤرخ پرآوازه کشور میرغلام محمد غبار است که جلد دوم آن به اهتمام پسر مؤلف حشمت خلیل غبار در ماه جون 1999 در ویرجینیا - ایالات متحده امریکا بار اول به چاپ رسید. در مقدمه مهمت آمده است: «جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ که پس از چاپ در کابل در سال 1967 توسط دولت وقت توقیف گردید، از آغاز دوره تاریخی تا ربع دوم قرن بیست (تا پایان دوره شاه امان الله) را دربرمیگیرد. جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ که آخرین جلد کتاب است، تاریخ سالهای پرماجرا و حساس کشور را در ربع دوم قرن بیستم (دوره حکمرانی خانواده نادرشاه تا سقوط [صدارت] شاه محمودخان) بیان میکند. جلد دوم دراصل چند فصل باقیمانده جلد اول است که بخاطر استبداد شدید در کشور در زمان نوشته آن از طبع بازماند.»

محتوی جلد دوم این کتاب که بیانگر بعضی واقعات یک دوره استبدادی میباشد، با عکس العمل های متفاوت مواجه شد، تعدادی آنرا واقع بینانه و برخی آنرا خصمانه تلقی کردند، اما به هر حال در این کتاب بر بسا نکات تاریک روشنی انداخته شده است که قبلاً در هیچ کتاب دیگری چنان وضاحت بیان نشده بود.

- "تذکره انقلاب" کتاب خاطرات علامه فیض محمد کاتب یکی دیگر از کتب مشهوری است که به شکل بیان واقعات روزمره در دوره سقوی تحریر و اما برای سالهای دراز اقبال نشر نیافته بود، خوشبختانه با مساعی علی امیری نسخه خطی آن از نزد ورثه مؤلف دستیاب گردید و در جون 2013 در 388 صفحه در جرمنی به چاپ رسید. این کتاب به نکاتی مهمی، بخصوص موقف حساس هزاره هائیکه به حمایت شاه امان الله قد علم کرده بودند، اشاره میکند که در کتب دیگر کمتر به چشم میخورد.

- رساله "نادرخان و خاندان او" بقلم "مهاجر افغان" که نام مستعار است و به احتمال قوی بوسیله مؤرخ شهیر پوهاند عبدالحی حبیبی هنگام اقامت در پاکستان در اوایل سالهای 1950 نوشته و در آنجا در سال 1951 بار اول به چاپ رسیده، رساله است با نگاه منتقدانه بر اوضاع آنوقت. این رساله بعداً در سال 2001 در 46 صفحه برای بار دوم در پشاور چاپ گردید و چند سند تاریخی مهم در آن گنجانیده شده که برای لزوم باز نویسی وقایع تاریخ معاصر کشور اهمیت بسزا دارد.

- "برکهای از تاریخ معاصر وطن ما" نام کتابی است که خاطرات سیاسی سردار محمد رحیم شیون ضیائی (پسر سردار محمد عمر خان ولد امیر عبدالرحمن خان) را در محتوی دارد. این کتاب از روی متن روسی بوسیله غلام سخی غیرت به دری ترجمه و بار اول در 1987 در کابل و بار دوم در 2001 در پشاور در 121 صفحه چاپ شده است که بعضاً به وقایع ناگفته در آثار دیگر روشنی می اندازد. پنجاه

صفحه اخیر کتاب به موضوعات مربوط به برگشت محمدنادرخان از فرانسه به وطن و فعالیت های او در سمت جنوبی اختصاص دارد.

- "دافغانستان دخپلواکی او نجات تاریخ" کتاب پرمحتوای خاطرات مرد مجاهد و مبارز مشهور جرنیل یارمحمدخان وزیر است که به همت پسرشان فدا محمدنومیر باراول درسال 1379 (2000م) در 354 صفحه در لاهور به چاپ رسید. جرنیل وزیر در راس یک تعداد از مردمان وزیرستان هم در جنگ سوم افغان انگلیس در محاذ جنوبی شخصاً اشتراک داشت و هم بعداً به حمایت از شاه امان الله و سپس در همکاری با محمدنادرخان یکی از سرکردگان با نفوذ قوم وزیر بود که در برابر قوای سقوی رزمید. خاطرات جرنیل وزیر در جرگه مشهور منعقد "علی خیل جاجی" و بعداً طی کردن راه دشواری برای فتح کابل و ضمناً شرح چگونگی مجلس سلام خانه که به قبولی سلطنت توسط محمدنادر خان انجامید، از مباحث بسیار مهم تاریخ آن دوره است که در دیگر کتابها با چنان وضاحت و صراحت قبلاً بیان نشده بود. این کتاب به حیث یک مأخذ مستند و شاهد عینی وقایع از آن جهت حایز اهمیت است که با وجود همکاری با محمدنادرشاه و حمایت از او، به نکاتی اشاره میکند که کتاب "نادر افغان" و امثالهم حتی از ذکر آن خودداری کرده است.

- "از عیاری تا امارت ... امیر حبیب الله کلکانی" عنوان کتابی است که عبدالشکور حکم آنرا در 576 صفحه تألیف نموده و در سال 2002 در پشاور به چاپ رسیده است و طوریکه از عنوان آن برمی آید، محتوای کتاب بعد از مرور کوتاه بر دوره های از امیر دوست محمدخان تا شاه امان الله، بیشتر بر دوره 9 ماهه پادشاهی حبیب الله کلکانی تمرکز داشته و از جوانب مختلف آنرا به بررسی گرفته است. از صفحه 414 تا 514 به بررسی رویدادهای مهم در سمت جنوبی و پیامدهای آن تا رسیدن محمدنادر خان به سلطنت و سرنوشت حبیب الله کلکانی و دار و دسته اش اختصاص یافته و حاوی مطالب مهم و مبتنی بر اسنادی میباشد که در کتب دیگر با چنان شرح و بسط کمتر ذکر شده است.

- "بازنگری دوره امانی و توطئه های انگلیس"، کتاب مستندی است که داکتر عبدالرحمن زمانی آنرا تألیف نموده و در 620 صفحه در سال 1391 (2013م) در جلال آباد به چاپ رسیده است. مشخصه مهم این کتاب، چنانکه از عنوان آن برمی آید، بیشتر بر رویدادهای مهم دوره ده ساله سلطنت شاه امان الله متمرکز میباشد و نقش انگلیس ها را از اول تا آخر برای سقوط سلطنت شاه موصوف و برنامه قدیمی آنها که نصب یک شخصیت دلخواه شان در راس دولت افغانستان یعنی محمدنادرخان بود، مورد بررسی و موشگافی قرار داده است. مؤلف کتاب کوشیده از روی ترندهای مکارانه انگلیس برای رسیدن به این هدف دیرینه با ارائه اسناد و ذکر مأخذ معتبر داخلی و خارجی بخصوص استفاده از اسناد محرمانه آرشیف های انگلستان و هندبرتانوی بخصوص در صفحات 462 تا 482 کتاب پرده بردارد. قابل ذکر است که اخیراً داکتر زمانی به سلسله نوشته های خود در وبسایت "افغان جرمن آنلاین" هریک اسناد محرمانه مربوطه را از آرشیف های فوق بیرون آورده و تقدیم علاقمندان تاریخ نموده است.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که در چند کتاب دیگر درباره چگونگی فعالیت های محمدنادرخان و برادرانش در سمت جنوبی و رسیدن به سلطنت تذکرات مختصر در چند صفحه معدود و اغلب با استفاده از چند کتاب محققان خارجی در زمینه نوشته شده است که در اینجا از ذکر آنها صرف نظر میگردد.

از جمله کتابهای مهم محققان خارجی در این مورد میتوان از کتب ذیل نام برد:

- "آتش در افغانستان 1914 - 1929"، تألیف خانم ریه تالی ستیوارت امریکائی که بار اول در سال 1973 در 615 صفحه به زبان انگلیسی دراضلاع متحده امریکا به چاپ رسیده است. مختصر این کتاب بنام "جرقه های آتش در افغانستان" توسط یارمحمد کوهسار کابلی به دری ترجمه و با اضافه بعضی نوشته های دیگر در سال 1380 (2001) درجماً 335 صفحه درپشاورچاپ شده است. در ارتباط با موضوع بحث ما در اینجا بخصوص فصل های 30 تا 35 آن (از صفحه 502 تا 577 متن انگلیسی و در ترجمه از صفحه 129 تا 189) مطالب بسیار مهم را دربردارد. نا گفته نماند که بسیاری از محققان معاصر از این کتاب به حیث یک مأخذ معتبر و مهم در آثار خود استفاده کرده اند.

- مأخذ مهم دیگر کتاب "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست" تألیف افغانستان شناس مشهور اطریشی-امریکائی لودویک آدامک است که در سال 1974 در پوهنتون اریزونا- اضلاع متحده امریکا به زبان انگلیسی در 324 صفحه چاپ شده و توسط پوهاند محمدفاضل صاحبزاده بار اول در سال 1370 (1991) در پشاور و بار دوم در سال 1377 در آنجا تجدید طبع گردیده است، مخصوصاً فصل پنجم و ششم آن بیشتر به موضوع بحث جاری در این نوشته ارتباط میگیرد.

- "اصلاحات و انقلاب در افغانستان 1919-1929" کتاب تحلیلی دیگر تألیف لیون پولادا است که چندین سال به حیث یک دیپلمات در سفارت امریکا در کابل ایفای وظیفه کرده و چند کتاب مهم نیز در مورد روابط افغانستان و امریکا نوشته است. این کتاب که در 1973 در اضلاع متحده امریکا به نشر رسیده، توسط داکتر باقی یوسفزی به دری ترجمه و در سال 1989 در اوماها - ایالات متحده امریکا چاپ شده است.

با استفاده از مأخذ فوق کوشش میشود بر رویدادهای عملیات نظامی طی دوره شش ماهه یعنی از تاریخ ورود محمد نادر خان و برادرانش از فرانسه به کشور بتاريخ 19 حمل 1307 ش (8 مارچ 1929) تا فتح کابل مورخ 23 میزان 308 (15 اکتوبر 1929) در بخش های بعدی به تفصیل روشنی انداخت.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ